

آزمون حضوری
شماره شش



رشته انسانی
پایه دهم

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

این مرورنامه، ویژه مباحث جدید آزمون است. مرورنامه مباحثی که در آزمون‌های قبل به آن‌ها پرداخته شده، در پنل کاربری شما قابل دریافت است و در این فایل از تکرار آن پرهیز شده است.

نام درس	مباحث	از صفحه	تا صفحه	مؤلف	ویراستار
علوم اجتماعی	درس ۱۳ تا ۱۶ صفحه ۱۰۸ تا ۱۴۸	۲	۱۰	محمدابراهیم مازنی	سعید ستوده‌مهر



درس ۱۳ دهم: هویت ایرانی (۱) (هویت فرهنگی ایرانی)

هویت ایرانی در گذر زمان، چه تحولاتی به خود دیده است؟



نکته

- هویت فرهنگی هر جامعه، بر مدار عقاید و ارزش‌های اجتماعی کلان آن شکل می‌گیرد. این هویت، دارای ابعاد تاریخی و جغرافیایی است.
- بعد جغرافیایی هویت جامعه → مکان و سرزمینی است که احساس خاصی را در افراد جامعه به وجود می‌آورد. (وطن)
- بعد تاریخی هویت جامعه → سرگذشت و سرنوشت اعضای یک جامعه است که به صورت خاطره‌ای مشترک از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایرانی دارد؟





درس ۱۵ دهم: هویت ایرانی (۳) (هویت سیاسی ایران)

چه رابطهای میان جهان اجتماعی و نظام سیاسی آن وجود دارد؟

- هر جهان اجتماعی، علاوه بر هویت فرهنگی از هویت سیاسی نیز برخوردار است. ← به همین دلیل در معرفی هر جامعه، از ویژگی‌های سیاسی از جمله نظام سیاسی آن نیز یاد می‌کنند.

– بررسی چند مفهوم مرتبط با سیاست –

- ۱) قدرت
 - هرگاه موجودی بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است؛ انسان به دلیل این که کارهای خود را با علم و اراده انجام می‌دهد، کنشگری قدرتمند است.
 - انواع قدرت انسان
 - فردی: قدرت فردی انسان محدود است؛ به گونه‌ای که نمی‌تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و به دیگران محتاج است.
 - اجتماعی: قدرت اجتماعی، هنگامی پیدا می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود، بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی آنان را به خدمت بگیرد.
 - نکات
 - ۱) کسانی که در زندگی توانایی تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردار هستند.
 - ۲) علاوه بر افراد، نهادها و سازمان‌ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.
- ۲) مقبولیت و اقتدار
 - تنها راه تأثیرگذاری بر اراده دیگری (برای رسیدن به قدرت اجتماعی)، جلب تبعیت اوست. ← یعنی او باید بپذیرد مطابق آنچه از او می‌خواهیم عمل کند ← به همین دلیل قدرت اجتماعی، بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی‌آید.
 - تبعیت اراده یک انسان از انسان دیگر به دو صورت می‌تواند باشد:
 - الف) تبعیت با کراهت؛ وقتی است که تبعیت ناشی از ترس و تهدید باشد.
 - ب) تبعیت با رضایت؛ وقتی است که شخص با میل درونی، مطابق اراده دیگری عمل کند.
 - قدرت مقبول: قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می‌آید، قدرت مقبول است.
 - اقتدار: قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد، اقتدار نامیده می‌شود.
 - مدار مقبولیت، خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آن‌ها اعمال می‌شود.
 - مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است.
- ۳) مشروعیت قدرت
 - اگر قدرت موافق حکم و قانون و اراده تشریعی خداوند اعمال شود، مشروعیت حقیقی دارد.
 - اگر قدرت مبتنی بر ایدئولوژی‌های ساختگی بشری باشد، مشروعیت دروغین دارد.

نکته

- رابطه مقبولیت و مشروعیت قدرت: مقبولیت و مشروعیت حقیقی می‌توانند با هم باشند و در برخی موارد نیز جدا از یکدیگر باشند.
- جایی که قدرت مطابق حکم و قانون الهی باشد و تبعیت از قانون نیز با رضایت و میل همراه باشد ← اقتدار و قدرت، هم مشروعیت دارد و هم مقبولیت.
 - هنگامی که قدرت برخلاف حکم و قانون الهی باشد و تبعیت از قدرت هم از روی احساس رضایت باشد ← اقتداری غیرمشروع شکل می‌گیرد.



۴ سیاست

- هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می آید.
- سیاست، اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدفی معین است.
- سیاست در معنای عام خود، شامل هر نوع تدبیر و سامان دادن قدرت است.
- هر جهان اجتماعی به تناسب هویت و فرهنگ خود، آرمان ها و ارزش های ویژه ای دارد و نمی تواند بدون سیاستی مناسب به ارزش ها و آرمان های خود دست یابد.

۵ نظام سیاسی

- مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست های جهان اجتماعی وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می دهد.
- در یک جهان اجتماعی، نظام سیاسی نمی تواند مستقل از نظام های دیگر مانند نظام فرهنگی و اقتصادی باشد.
- بنابراین
- نظام سیاسی بر نظام های دیگر اثر می گذارد و از آن ها تأثیر می پذیرد.
- مثال ۱: با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، مزرعه داری دولتی و اشتراکی رایج شدند. این مثال نشان دهنده تأثیر نظام سیاسی بر نظام اقتصادی است.
- مثال ۲: وجود شعار «جدایی دین از سیاست» بر سردر کلیسایی در فرانسه، نشان دهنده تأثیر نظام سیاسی بر نظام فرهنگی است.

تأثیر نظام فرهنگی بر نظام سیاسی

- نظام فرهنگی عقاید، ارزش ها و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تعیین می کند.
- اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید و ارزش های فرهنگی جامعه باشد → نظام فرهنگی اقتدار نظام سیاسی را تأمین می کند.
- اگر نظام سیاسی به دلایل داخلی و یا تحت تأثیر فشار عوامل خارجی، از اصول و ارزش های فرهنگی خود عدول کند → نظام فرهنگی اقتدار نظام سیاسی را کاهش می دهد.
- نظام سیاسی اگر به ارزش های فرهنگی جامعه وفادار بماند، با استفاده از مدیریت سیاسی خود → به بسط و توسعه فرهنگ کمک می کند.
- اگر نظام سیاسی از ارزش ها و آرمان های فرهنگی دور شود → زمینه تعارضات، تزلزل و بحران های فرهنگی و هویتی را پدید می آورد.

تأثیر نظام سیاسی بر نظام فرهنگی

نظام های سیاسی چه انواعی دارند؟

- نظام های سیاسی را براساس ملاک های گوناگون به انواع مختلفی دسته بندی می کنند. ملاک های دسته بندی نظام های سیاسی در جدول زیر آمده است:

ملاک تقسیم بندی	انواع
براساس کمیت افراد تأثیرگذار (تعداد حاکمان)	(۱) نظام ها و حکومت هایی که در آن تنها اراده یک فرد تأثیرگذار است. (۲) نظام هایی که تنها یک اقلیتی از مردم در آن تأثیرگذارند. (۳) حکومت هایی که در آن ها اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود اثرگذارند.
براساس روش تصمیم گیری (روش حکومت)	(۱) کسانی که در تصمیم گیری های سیاسی دخیل هستند، براساس خواسته ها و اغراض خود تصمیم می گیرند. (۲) کسانی که در تصمیم گیری های سیاسی دخیل هستند، بر مدار حقیقت و فضیلت و با موازین عقلی تصمیم می گیرند.
براساس دینی یا دنیوی بودن	(۱) حکومت هایی که براساس سنت و قانون الهی عمل می کنند. (۲) حکومت هایی که براساس سنت و قانون الهی عمل نمی کنند.



– دسته‌بندی ارسطو از انواع نظام‌های سیاسی –

● ارسطو از دو ملاک اول و دوم (تعداد حاکمان و روش حکومت) برای دسته‌بندی نظام‌های سیاسی استفاده می‌کند و از شش نوع حکومت نام می‌برد.

شيوه حکومت	براساس فضيلت	براساس خواست و ميل حاکم
تعداد حاکمان		
فرد	مونارشی	تیرانی (استبدادی)
اقلیت	آرستوکراسی	الیگارشی
اکثریت	پولیتی (جمهوری): حکومتی است که در آن اکثریت مردم براساس حقیقت و فضیلت حضور و فعالیت دارند.	دموکراسی: به معنای حاکمیت مردم است و در این نوع حاکمیت، مردم براساس خواسته‌ها و تمایلات خود حکومت می‌کنند.

– دسته‌بندی فارابی از نظام‌های سیاسی –

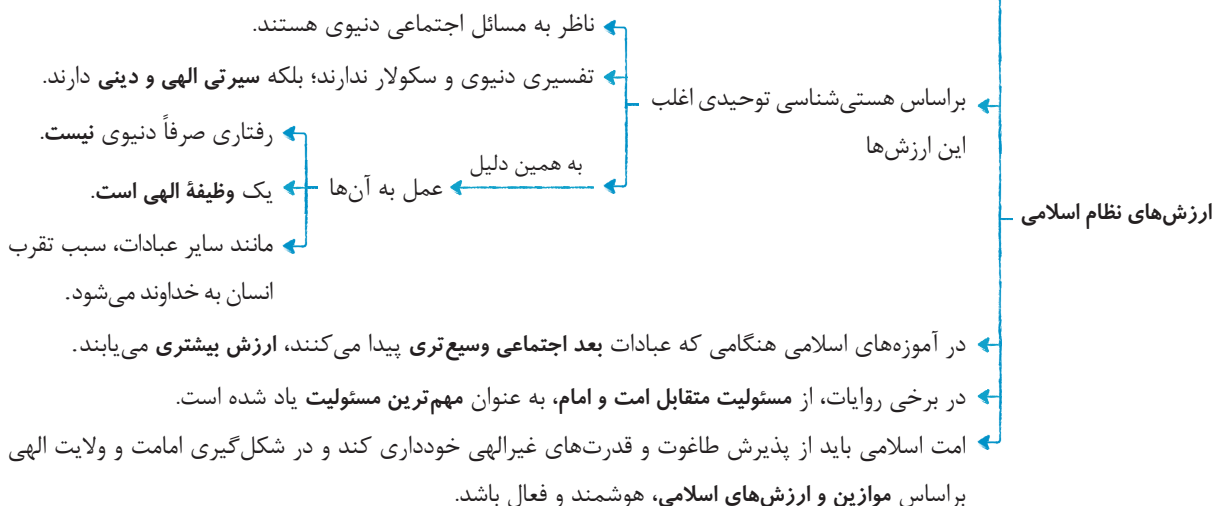
● فارابی با استفاده از دو ملاک اول (تعداد حاکمان و روش حکومت) و افزودن ملاک سوم (دینی یا دنیوی بودن)، از مدینه فاضله و جاهله نام می‌برد. مدینه فاضله ← جامعه‌ای الهی است که براساس سنت و قانون الهی شکل می‌گیرد. از نظر فارابی، حقیقت با اراده الهی تعیین می‌شود و با کمک عقل و وحی شناخته می‌شود. مدینه جاهله ← جامعه‌ای است که ارزش‌ها و آرمان‌های آن‌ها، عقلانی و الهی نباشد. فارابی جوامع جاهلی را براساس نوع آرمان‌ها و ارزش‌هایی که دارند، به اقسامی تقسیم می‌کند.

شيوه حکومت	انسان محور	خدامحور
تعداد حاکمان		
فرد	براساس فضيلت انسانی	براساس ملت الهی
اقلیت	کرامیه (جامعه سرفرازی)	تغلیبه (جامعه زورگویی)
اکثریت	ضروریه (جامعه قناعت گرایی)	خست (جامعه خوش گذرانی)
	جماعیه (جامعه آزادی)	یسار یا بداله (جامعه مال‌اندوزی)
		مبدله
		فاضله
		فاسقه
		ضاله

– تفاوت لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی –

لیبرال دموکراسی	جمهوری اسلامی
<p>لیبرالیسم به معنای اباحت و مباح دانستن همه امور برای انسان‌هاست.</p> <p>معنا ← دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است.</p>	<p>عنوان جمهوری در این ترکیب به معنای به رسمیت شناختن حضور مؤثر مردم در نظام سیاسی است.</p> <p>معنا ← کلمه اسلامی در این ترکیب نشان‌دهنده این است که فعالیت مردم و نهادها بر مبنای عقاید و ارزش‌های اسلامی سازمان پیدا می‌کند.</p>
<p>این نظام سیاسی هیچ حقیقت و فضیلت فطری و جهان‌شمولی را به رسمیت نمی‌شناسد و حکومتی دنیوی و این‌جهانی است.</p>	<p>با خواست مردم و در ذیل مشیت الهی شکل می‌گیرند.</p> <p>در نظام اسلامی، احکام و مقررات با عقل و وحی شناخته می‌شوند.</p> <p>انسان‌ها مسئولیت شناخت و اجرای آن‌ها را دارند.</p>
این نظام سیاسی، با فرهنگ جهان غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد، سازگار است.	جمهوری اسلامی یا مردم‌سالاری دینی، نوعی نظام سیاسی است که در جهان اسلام مورد توجه امت اسلامی قرار گرفته است.
در اندیشه لیبرال دموکراسی نمی‌توان از مشروعیت حقیقی سخن گفت.	در این نظام، می‌توان از مقبولیت و مشروعیت حقیقی سخن گفت.

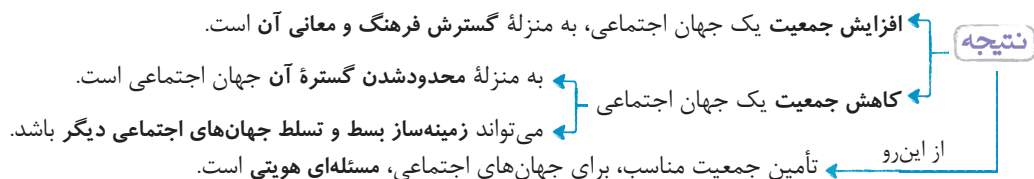
عبودیت، عدالت، آزادی، استقلال، امنیت، تأمین اجتماعی و تکافل عمومی، مشورت و مشارکت در امور عمومی و ... از جمله ارزش‌های اجتماعی اسلامی است.



درس ۱۶ دهم: هویت ایرانی (۱۶) (هویت جمعیتی و اقتصادی ایران)

جمعیت هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

- اهمیت جمعیت هر جامعه
 - در معرفی جوامع، به ویژگی‌های جمعیتی آن‌ها مانند تعداد جمعیت، جوان و پیر بودن جمعیت و ... اشاره می‌کنند؛ زیرا
 - جمعیت هر جامعه، که بخشی از هویت آن محسوب می‌شود.
 - اولین شرط بقای هر جامعه، جمعیت آن است.
- گسترش هر جهان اجتماعی از طریق گسترش فرهنگ و معانی آن صورت می‌گیرد → راه گسترش هر فرهنگ، شناختن (اندیشیدن)، پذیرفتن و عمل کردن به آن فرهنگ است. → شناختن و عمل کردن صرفاً از عهده افراد و اعضای جهان اجتماعی (جمعیت آن جهان) برمی‌آید؛ به عبارت دیگر، اعضای جهان اجتماعی، حامل و عامل فرهنگ و معانی آن هستند. → هر چه تعداد حاملان و عاملان یک فرهنگ (جمعیت آن فرهنگ) بیشتر باشد، آن فرهنگ بسط بیشتری می‌یابد.



اهمیت تأمین جمعیت در اسلام -

- هدف اسلام، تأسیس جهان اجتماعی توحیدی و گسترش آن است. → لازمه تحقق این هدف داشتن جمعیت مناسب است. از این رو پیامبر اسلام (ص) روز محشر، به کثرت پیروان خود مباحثات می‌کند.
- در اسلام در صورت وجود دو شرط، افزایش جمعیت ضروری است و در صورت فقدان هر کدام از این شرایط، جهان اجتماعی توحیدی نیست.
- فرهنگ و معنایی که با افزایش جمعیت بسط می‌یابد، فرهنگ حق باشد.
- در صورت فقدان این شرط → جامعه مشرک پدید می‌آید. جامعه مشرک، جامعه‌ای است که براساس عقاید و ارزش‌های باطل شکل می‌گیرد.



۲) افراد و اعضای فرهنگ، حاملان و عاملان معانی حق باشند.

در صورت فقدان این شرط

جامعه فاسق پدید می آید. جامعه فاسق، جامعه ای است که اعضای آن عقاید و ارزش های حق را می شناسند ولی به آن ها پایبند نیستند.

نتیجه در اسلام، هم کمیت جمعیت (تعداد لازم و کافی) و هم کیفیت جمعیت (حامل و عامل فرهنگ حق بودن) در بسط و تداوم هویت جهان اجتماعی توحیدی مؤثرند.

- سیاست های جمعیتی -

● فرزندآوری نیاز فطری انسان ها و تأمین جمعیت از کارکردهای نهاد خانواده است. ممکن است جهان اجتماعی در مواقعی با کاهش یا رشد جمعیت مواجه شود.

مثال امروزه جوامع غربی به علت هایی مانند بالا رفتن سن ازدواج، افزایش بی ثباتی، فروپاشی خانواده ها و طلاق، رفاه طلبی، عافیت طلبی، مصرف گرایی و به دنبال آن، هزینه پنداشتن فرزندان و با مسئله کاهش جمعیت و عوارضی چون پیری و سالمندی جمعیت مواجه اند.

نکته

کاهش جمعیت، شاخص و نشانه جهان اجتماعی متجدد است.

● در مواقعی که جهان اجتماعی با کاهش یا رشد جمعیت مواجه است، نهاد سیاست (که مسئولیت هماهنگی نهادها را بر عهده دارد) برای حل مشکل جمعیت چاره اندیشی می کند و با همراهی و همکاری مردم تدابیر و راه حل هایی را به اجرا درمی آورد که سیاست های جمعیتی نامیده می شود.

سیاست های کاهش:

دوره تاریخی	نتیجه
از سال ۱۳۴۵ تا پیروزی انقلاب	کاهش میزان رشد سالانه جمعیت از ۳/۱ به ۲/۷ درصد
از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰	کاهش میزان رشد سالانه جمعیت از ۳/۹ به ۱/۳ درصد

سیاست های جمعیتی در ایران

سیاست های افزایش:

از سال ۱۳۹۰ تجدید نظر در سیاست های کاهش جمعیت شروع شد.

در سال ۱۳۹۳ اصول کلی سیاست های جمعیتی کشور تصویب شد.

نکته

هرگونه اقدام به نابودی و حذف فیزیکی کل یا بخشی از جمعیت یک گروه بومی، قومی، مذهبی و ... نسل کشی یا پاک سازی نسل می گویند. پدیده نسل کشی در جهان، نشانگر ابعاد هویتی جمعیت است.

نسل کشی بومیان قاره آمریکا توسط اروپاییان

نسل کشی مسلمانان بوسنی

نسل کشی اعراب مسلمان توسط رژیم اشغالگر قدس در سرزمین های اشغالی فلسطین

برخی از نسل کشی های تاریخ

منظور از هویت اقتصادی جامعه چیست؟

به آن دسته از فعالیت های روزمره که برای تهیه و تولید وسایل ضروری زندگی و رفع نیازهای مادی و معیشتی خود و دیگران انجام می دهیم، کنش اقتصادی می گویند.

کنش های اقتصادی، بخشی از کنش های اجتماعی اند؛ زیرا در رابطه با دیگران صورت می گیرند.

مجموعه کنش‌ها، روابط و قواعدی که حول تولید و مصرف کالا و خدمات و توزیع درآمد و ثروت صورت می‌گیرد، نهاد اقتصاد را شکل می‌دهند.

نهاد اقتصاد

• نهادها (از جمله نهاد اقتصاد) در تمامی جوامع وجود دارند، ولی انواع و اشکال متفاوتی دارند.

• در هر جامعه‌ای، اقتصاد در رابطه با سایر نهادها شکل می‌گیرد و با آن‌ها تناسب پیدا می‌کند.

• علاوه بر افراد، جهان‌های اجتماعی نیز هویت اقتصادی دارند.

ویژگی‌های هویت اقتصادی جامعه ایران -

• اقتصاد امروز ما، محصول رویدادهای گذشته و عملکرد کنونی ماست.

• **دستاوردها:** گسترش بهره‌مندی مردم از آب، برق، گاز و ارتباطات به ایجاد زیرساخت‌های مختلف مانند سدها

و نیروگاه‌ها؛ توسعه ظرفیت تولیدی کشور در انواع محصولات؛ ارتقای شاخص‌های بهداشت و درمان و ...

• **معضلات:** تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر امکانات، تجمل‌گرایی و غلبه فرهنگ مصرفی و ...

• از جمله عوامل شکل‌گیری اقتصاد در طول تاریخ معاصر ایران، کشف نفت و سرمایه‌های حاصل از فروش نفت به خارجیان بوده است. سرمایه‌های نفتی می‌تواند به انواع دارایی‌ها مانند صنایع و کارخانجات تولیدی مختلف تبدیل شود. از سوی دیگر، پیامدهای مخربی نیز به همراه دارد:

۱) درآمد هنگفت و بدون زحمتی ایجاد می‌کند.

۲) باعث شکل‌گیری تولید ملی ضعیف و شکننده‌ای می‌شود که مستقیم و غیرمستقیم وابسته به نفت است.

۳) دولت بزرگی به وجود می‌آورد که می‌کوشد رفاه اقتصادی را به مدد نفت و نه رواج کسب و کار، افزایش دهد و حتی هزینه‌های آموزش و بهداشت را به کمک درآمدهای نفتی تأمین می‌کند.

۴) در «کوتاه‌مدت» احساس رفاه بیشتری همراه با نوسانات «زیاد» برای مردم به ارمغان می‌آورد، اما این وضعیت پایدار «نیست».

۵) وضعیت شکننده‌ای به وجود می‌آورد که می‌تواند مورد سوء استفاده طمع‌ورزان بین‌المللی قرار گیرد و از آن به عنوان ابزاری برای ایجاد فشار بر جامعه استفاده کنند.

۶) انواع تحریم‌های اقتصادی و مالی، با همین رویکرد علیه کشورها اجرا شده است تا اولاً درآمدهای نفتی کشور را محدود کنند و ثانیاً از انتقال آن به کشور ممانعت ورزند.

در ایران:

• هجوم اقتصادی غرب به ایران تاریخی طولانی دارد:

• در زمان قاجار تلاش برای اخذ امتیازات مختلف مانند امتیاز رویترو و رژی

• در دوره پهلوی از طریق تاراج نفت، فروش جنگ‌افزار و کالاهای مصرفی و صنایع مونتاژ و تخریب بنیان‌های تولید

ملی به‌ویژه روح خودباوری ملت

• علیه سایر ملت‌ها:

• از آن جهت که اقتصاد، روزنه ورود استعمار و نابودی هویت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع به شمار می‌رود،

تهاجم اقتصادی در طول تاریخ از سوی استعمارگران غربی علیه سایر ملت‌ها اعمال می‌شده و در مقابل واکنش‌های آن‌ها را به دنبال داشته است.

• مثال: کمپانی هند شرقی انگلیس که با ماهیت اقتصادی و تجاری فعالیت می‌کرد، عملاً ابزاری برای هویت‌زدایی

و غارت و چپاول دارایی‌های عظیم مردم هند بود و مقاومت مردم هند به رهبری گاندی، نمونه‌ای از واکنش‌ها به چنین اقداماتی بود.



نکته

جهان غرب، هویت خود را براساس اقتصاد شکل می‌دهد و سرمایه‌داری، عامل اصلی هویت‌یابی افراد و جوامع غربی است، در این جهان، هویت انسان‌ها و جوامع، بیش از هر چیز به دارایی و توان اقتصادی آن‌ها وابسته است. جوامع دیگری که به تبعیت از غرب، رویکرد سکولار و دنیوی دارند نیز هویت سرمایه‌داری پیدا می‌کنند. این جهان اجتماعی در اقتصاد هیچ مانعی را بر سر راه خود برنمی‌تابد و در مسیر گسترش خود، شیوه‌های اقتصادی غیرسرمایه‌دارانه را در سراسر جهان نابود می‌کند.

برخی کشورهای سلطه‌گر غربی که اقتصاد را اساس همه چیز می‌دانند. ← جنگ اقتصادی تمام‌عیاری علیه کشور ما به راه انداخته‌اند. ← شیوه‌های اقتصادی غیر سرمایه‌داری را نابود شده می‌بینند.

● راه مقابله: ایران اسلامی، آرمان بازسازی هویت اقتصادی خود را با اجرای قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تعقیب می‌کند. **تعریف اقتصاد مقاومتی:** اقتصاد مقاومتی، الگویی از اقتصاد پیشرفته، مستقل و مستحکم است که با باور به تعالیم حیات‌بخش اسلام و اتکا به ظرفیت‌های مولد مردمی و دولتی، روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، امید، همبستگی، و با حضور فعال و مؤثر در تعاملات جهانی، برای مردم ایران، امنیت، رفاه و پیشرفت توأم با عدالت؛ و برای جهان اسلام و بشریت الگویی ایرانی - اسلامی از رشد و شکوفایی را به ارمغان می‌آورد.